

وقتی بازی تمام می‌شود، دی‌جی استادیوم ترانه معروف «Life is Life» از Opus را پخش می‌کند و پائولو شروع به دست زدن می‌کند. هم‌تیمی‌ها و حریفانش برای بغل کردنش می‌آیند. مالدینی در آن فصل - در تمام رقابت‌ها - ۳۲ بازی کرد که اکثرشان به صورت فیکس بود. اما این آخر خط است. تمام. یک ربع قرن، بیش از ۱۰۰۰ بازی، همه آن جام‌ها و قلب‌شکستگی‌ها، تکل‌ها و سرها و سخنرانی‌های پرشور نیمه‌نخست تمام شد. نوجوان ۱۶ ساله‌ای در اودینه و به صورت کامل ناشناس وارد شد، حالا ۴۰ سال دارد و جهان ستایشش می‌کند.

شروع به دویدن به سمت جمعیت و تکان دادن دست می‌کند. همسرش آنجاست و پسرانش، کریستین و دنیل. آدریانا لبخندزنان دست تکان می‌دهد؛ پسرها خیلی بچه‌اند، نمی‌دانند یک ملت آن‌ها را نگاه می‌کند. دوربین عوض می‌شود و روی مردی بلندقد و باوقار تمرکز می‌کند. حالا ۷۷ ساله اما هنوز بی‌نقص لباس پوشیده، می‌داند همه نگاهش می‌کنند. چزاره خودش را جمع می‌کند و آماده بدرقه پسرش پائولو می‌شود.

